

ادله وجوب تقلید از اعلم دلیل اول) حکم عقل مستقل

مرحوم شیخ مرتضی حائری می نویسد:



درس خارج فقه استاد سید حسن یحیی

«الأول: حکم العقل المستقل المتحقق في باب التقليد يقتضي لوجوب رجوع الجاهل إلى العالم يقتضي في مقام الاختلاف بين الأعلم وغيره الرجوع إليه. و المقصود من الاستقلال أنَّ حكمه بذلك لا يتوقف على العلم بجعل حجة من طرف الشارع إمّا على نحو التعيين و إمّا على نحو التخيير، بل يحكم بذلك و لو علم بعدم جعل حجة من جانبه، فليس المقصود من استقلاله بذلك أنَّ حكمه في عرض حكم الشارع بحيث يحكم بأنّه لا يمكن الردع من جانب الشارع؛ فالاستقلال بالمعنى الذى ذكرناه لا ينافى مع كونه في طول الحكم الشرعى و في صورة فقدان الحكم الشرعى. كيف و جميع الأحكام العقلية الواقعة في سلسلة معلولات حكم الشرع - التى يكون صدورها من العقل بملاحظة تأمين الأغراض الشرعية و حفظ إرادات المولى - إنّما هو في فرض عدم تعيين التكليف من جانب الشرع كما لا يخفى.»^۱

توضیح:

۱. عقلی که اصل تقلید را ثابت می کند، در صورت اختلاف بین مجتهدین، حکم به رجوع به اعلم می کند.
 ۲. اینکه این حکم مستقل عقلی، به آن جهت است که عقل حتی اگر بداند که شارع حکمی را در این باره جعل نکرده است، باز هم چنین حکم می کند.
 ۳. پس مراد از حکم مستقل عقلی، آن حکمی نیست که از جانب شارع قابل ردع نیست [یعنی حکم عقلی نیست که در سلسله علل احکام شرعی باشد]
 ۴. [پس: گاهی حکم عقل در سلسله علل احکام است یعنی حُسن و قبح را درک می کند و گاهی حکم عقل در سلسله معلولات احکام است. در این صورت دوم گاهی شرع هم حکم دارد (مثل حکم عقل به اطاعت اوامر شرعی که شرع هم در آن مورد حکم ارشادی دارد) ولی گاهی شرع حکم ندارد (مثل حکم عقل به عدم ریا که شارع فرضاً در آن حکم ندارد)
- حال: حکم عقل به وجوب رجوع به اعلم، حکم در سلسله معلولات است (یعنی عقل حکم می کند که اطاعت شارع از طریق رجوع به اعلم باید باشد) و حتی اگر هم شرع در آن مورد حکمی نداشته باشد، باز هم عقل در آن حکم دارد]

^۱. شرح العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۹

ما می‌گوییم:

۱. در جای خود گفته‌ایم اگر عقل حکم به ملازمه بین دو شیء کند، آن را از زمره غیرمستقلات عقلیه می‌دانیم ولی اگر حکم مستقلاً به چیزی صورت پذیرد، حکم عقل از زمره مستقلات است.
مثلاً اگر عقل می‌گوید: اگر کسی ذی‌المقدمه را واجب کرده است، مقدمه را هم واجب کرده است (حکم به وجود چنین ملازمه‌ای می‌کند) و یا اگر عقل می‌گوید اگر کسی دارای مولویت است، اطاعت از او لازم است، این احکام عقلی، حکم غیر مستقل عقلی است.
ولی اگر عقل می‌گوید ظلم نباید انجام شود (بر فرض که عقل دارای حکم کلی باشد) این حکم مستقل عقلی است.
۲. شارع با هیچکدام از این احکام نمی‌تواند مقابله کند و البته در حکم غیر مستقل، ممکن است شارع یک طرف ملازمه را بردارد و طبعاً طرف دیگر برداشته می‌شود.
۳. حال: حکم مستقل عقلی بر اطاعت از شارع نیست چرا که: آنچه عقل درک می‌کند، مقام مولویت شارع است و آنچه به آن حکم مستقل عقلی دارد وجوب دفع ضرر محتمل و یا وجوب جلب منفعت حتمیه است. اما اینکه با اطاعت از خدا چنین ضرری دفع می‌شود، حکم به نوعی ملازمه است:
حکم مستقل عقلی: ضرر محتمل باید دفع شود
درک مستقل عقلی: شارع مولویت دارد
حکم شرع (و یا مستقل عقلی): ترک دستورات شارع، باعث عقاب محتمل است
حکم غیر مستقل عقلی: اگر باید ضرر محتمل را دفع کنی (که عقلاً باید دفع کنی)، باید دستورات شارع را انجام دهی.
پس اطاعت از شارع، حکم غیر مستقل عقلی است. حال اینکه برای اطاعت باید به اعلم رجوع کرد، حکم غیر مستقل است.
۴. سلمنا: که اصل اطاعت از شارع حکم مستقل عقلی است اما اطاعت اعلم به سبب ملازمه با اطاعت از شارع، محکوم به حکم عقل است:
«اگر اطاعت از شارع لازم است، اطاعت از اعلم به احکام شارع لازم است»
۵. اللهم الا ان یقال: اگر در صورتی عقل به ملازمه‌ای حکم می‌کند ولی طرفین آن ملازمه نیز احکام عقلی هستند، آن حکم به ملازمه را هم می‌توان از مستقلات عقلیه به حساب آورد.

۶. والذی یسهل الخطب: به نظر نمی‌رسد اصلاً عقل، حکم مستقل به رجوع به اعلم داشته باشد (نه به صورت مستقل و نه به صورت غیر مستقل که ناشی از حکم به ملازمه باشد)

دلیل دوم) دلیل عقلی مستقل (قبح ترجیح مرجوح بر راجح)

۱. مرحوم سید محمد مجاهد در مفاتیح الاصول می‌نویسد:

«و منها ما تمسک به الفاضل الهندی فی الكشف و جدی الصالح ره فی شرح الزبده من أنه لو جاز تقليد المفضل مع وجود الأفضل للزم ترجیح المرجوح علی الراجح و التالی باطل فالمقدم مثله و الملازمة ظاهرة»^۱

۲. مرحوم شوشتری از این مطلب پاسخ می‌دهد:

اولاً: اگر این دلیل کامل باشد، از این جهت است که قول اعلم اقرب به واقع است و «قول اقرب» را عقلاً باید اخذ کرد چرا که علت مرجوحیت قول مفضل، دوری از واقع است. ثانیاً: چه بسا فتوی مفضل در نگاه مقلد ارجح و اقرب الی الواقع باشد (و یا مساوی با فتوی اعلم در قرب به واقع باشد)

ما می‌گوییم:

۱. گفته بودیم شرایط مرجع تقلید را باید عقل مقلد خود دریابد و لذا اگر ملاک در این ادله عقلی، «ظن آوری و رجحان در نزد مکلف» است، چنین ظنی وابسته به اعلمیت نیست بلکه ممکن است به عللی حتی مقلد چیزی را مطابق با عقل خود اقرب الی الواقع بیابد.
۲. البته این را نمی‌توان منکر شد که عقل مقلد، در کلیت احکام، اعلم را اقرب الی الواقع می‌داند ولی در یک حکم جزئی ممکن است چنین حکمی نداشته باشد.
۳. همین مطلب را مرحوم محقق اردبیلی هم مورد اشاره قرار داده است و می‌نویسد رابطه مفضل و افضل مثل رابطه ائمه (ع) با غیر ائمه (ع) نیست.

«و قد یمنع لزوم ترجیح المرجوح إذ قد یظن التساوی بل الرجحان فی الفتوی الواحد أو الحكم الواحد بل أكثر مع كونه مفضولاً و قیاسه علی حال الإمامة و الرئاسة العامة غیر سدید لأن ذلك كالنبوة فی اتباع المحض و التفویض إلیه بالکلیة و یحکم بالعلم البدیهی و یحتاج إلی علم إلهی فی جمیع الأمور و منشأ الفتوی و الحكم الظن المستفاد من بعض القرائن و قد یفرض وصول

^۱ . مفاتیح الاصول، ص ۶۲۷؛ ایضاً ن ک: مطارح الانتظار، ج ۲، ص ۶۷۷

المفضول إلى الحق دون الفاضل و لا محذور في ذلك و لا يمكن ذلك في أصل الإمامة و النبوة

فإن المدار هنا على العلم الحق»^۱

۴. ما حصل فرمایش ایشان آن است که عقل در مواردی که افضلیت ناشی از ویژگی ذاتی باشد، ترجیح مرجوح را به هر صورت باطل می‌داند ولی اگر افضلیت ناشی از علم ظنی باشد، صرفاً حکم عقل به قبح رجوع به مفضول به سبب عدم اقربیت الی الواقع است.

۵. پس این دلیل، کبرای، دلیل دیگری است (اقرب الی الواقع) یعنی باید بگوییم: «قول اعلم اقرب الی الواقع است، پس قول اعلم راجح است و ترجیح مرجوح بر راجح قبیح است»

دلیل سوم) حکم مستقل عقلی (رجحان ذاتی اعلم)

۱. مرحوم شیخ از علامه حلی در نهایه الوصول نقل می‌کند:

«و منها: ما عن الفاضل فی النهایة من أنّ الأعلّم له مزیة و رجحان علی الأدون، فیکدّم کما قدّم فی الصلاة»^۲

۲. مرحوم شیخ از این دلیل جواب می‌دهد:

«و هذا إن رجع إلى قاعدة الأخذ بأقوی الأمرین فهو، و إلّا- کما هو الظاهر من التنظیر بالصلاة- فلا نری له وجهاً. و مع ذلك فلا یفید إلّا الاستحباب»^۳

۳. ما حصل پاسخ آن است که:

اگر مراد مستدل آن است که باید به سراغ اماره قوی‌تر رفت، این دلیل دیگری است که همان «حکم عقل به رجوع به اقرب الی الواقع» است و در آینده مطرح می‌کنیم.

دلیل چهارم) حکم عقلی غیر مستقل (دوران بین تعیین و تخییر)

۱. مرحوم حکیم این دلیل را چنین تقریر می‌کند:

«الأصل العقلی عند دوران الأمر فی الحجیة بین التعیین و التخییر الذی عرفته فیما سبق، فان رأى

الأفضل معلوم الحجیة، و رأى المفضول مشکوک الحجیة»^۴

۲. مرحوم شیخ مرتضی حائری می‌نویسد:

۱. مفاتیح الاصول، ص ۶۲۷؛ مجمع الفائدة، ج ۱۲، ص ۲۱

۲. مطارح الانظار، ج ۲، ص ۶۷۸

۳. همان

۴. مستمسک، ج ۱، ص ۲۸



«الثانی: الحکم العقلیّ غیر المستقلّ، و هو يتوقّف على العلم بجعل الحجّة بنحو الإهمال، فيحكم فی فرض تحقّق الحجّة و تردّها بین التعین و التخییر بالأخذ بالمتیقّن و طرح مشکوک و عدم ترتیب آثار الحجّة عقلاً»^۱

۳. مرحوم اصفهانی نیز می‌نویسد:

«فالأمّ دائر بین مقطوع الحجّة و مشکوکها، توضیحه أنّ الحجّة العقلائیّة عبارة عن تنجیز الواقع و المعذّریّة عن الخطأ، و فتوی الأفضل منجزّة و معذّرة قطعاً، لأنّها حجة إمّا تعیننا أو تخییرنا، دون فتوی المفضل، إذ لیس فیها إلّا احتمال الحجّة تخییرنا، فیجوز الاقتصار على فتوی الأفضل فی الخروج عن تبعه الواقع و إن أخطأت، و لا يجوز الاقتصار على فتوی المفضل»^۲

ما می‌گوییم:

۱. این مطلب، در حقیقت تمسک به اصل عملی است و روشن است تا ادله اجتهادی موجود باشد، نوبت به تمسک به اصل عملی نمی‌رسد.

به عبارت دیگر این دلیل توان مقابله با اطلاعات روایاتی که حجیت قول مفضل را مطرح می‌کند، ندارد.

۲. شاید به همین جهت است که مرحوم خویی همین مطلب را به گونه‌ای مطرح کرده است که با «اصل عملی تقدیم تعین بر تخییر» متفاوت باشد.

ایشان می‌نویسد:

«أن مشروعية التقليد في الأحكام الشرعية إنما أثبتناها بالكتاب و السنة أو بدلیل الانسداد أو السيرة كما مرّ، و قد أشرنا أن المطلقات الواردة في الكتاب و الأخبار غیر شاملة للمتعارضین، فإذا سقطت فتوی غیر الأعلّم عن الحجّة بالمعارضة يتعیّن الرجوع إلى الأعلّم و ذلك للعلم بعدم وجوب الاحتیاط»^۳

۳. اما به نظر می‌رسد، این تقریر اگرچه صراحتاً غیر از اصل عملی دانسته شده است، باز هم به اصل عملی در محیط شک باز می‌گردد و عقل در مقام کشف واقع (که ملاک اماره است) چنین حکمی ندارد بلکه صرفاً در مقام رفع حیرت در مقام عمل چنین حکمی دارد.

۱. شرح العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۹

۲. بحوث فی الاصول، ج ۳، ص ۴۵

۳. التنقیح، ج ۱، ص ۱۱۳